

وضعیت حقوقی سپر انسانی داوطلبانه در حقوق بشردوستانه بین‌المللی

همایون حبیبی* - صالحه رضائی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۹)

چکیده

به موجب حقوق بشردوستانه استفاده از غیرنظامیان به عنوان سپر انسانی ممنوع است. در این مجموعه از مقررات اشاره‌ای به انواع سپر انسانی نشده اما در عمل ممکن است سپرهای انسانی با اجبار از سوی یک طرف مخاصمه یا با اراده خود در برابر هدف نظامی قرار گیرند. ممنوعیت و نظام حقوقی حاکم بر حالت اول که از آن با عنوان سپر انسانی غیر داوطلبانه یاد می‌شود چندان چالش برانگیز نیست اما حالت دوم یا سپر انسانی داوطلبانه باعث بروز اختلاف نظرهای بسیاری در میان حقوقدانان شده، به طوری که عده‌ای از حقوقدانان سپر انسانی داوطلبانه را به معنای مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات دانسته و عده‌ای دیگر مخالف چنین تفسیری هستند. این مقاله با بررسی دیدگاه‌های مختلف پیرامون وضعیت حقوقی سپر انسانی داوطلبانه از این نظر پشتیبانی می‌کند که نمی‌توان سپر انسانی داوطلبانه را به معنای مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمه قلمداد نمود، مگر اینکه شرایط تحقق مشارکت مستقیم فراهم شود؛ در آن صورت سپرهای داوطلب به دلیل مشارکت مستقیم در مخاصمه از حمایت‌های بشردوستانه از غیرنظامیان محروم می‌شوند.

واژگان کلیدی: حقوق بشردوستانه بین‌المللی، سپر انسانی، سپر انسانی داوطلبانه، مشارکت مستقیم در مخاصمات، اصل تناسب، اقدامات احتیاطی.

h_habibi@atu.ac.ir

* استادیار حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

ramezani_s1380@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی (دانشگاه علامه طباطبائی)

۱. مقدمه

اگرچه استفاده از زنان و کودکان بی‌دفاع به‌عنوان سپر انسانی^۱ سابقه طولانی دارد،^۲ با این حال تاریخ همواره این رفتار را غیراخلاقی دانسته است؛ لذا با آغاز تدوین حقوق جنگ در اوایل قرن بیستم یکی از اولین قواعدی که در حمایت از غیرنظامیان تدوین گشت قاعده ممنوعیت استفاده از سپر انسانی بود.^۳ امروزه حقوق موضوعه به‌صراحت استفاده از سپر انسانی را منع می‌کند، ولی به‌رغم ممنوعیت مطلق استفاده از سپر انسانی، بارها و بارها شاهد سپر قرار گرفتن غیرنظامیان در برابر اهداف نظامی بوده‌ایم. اگر در ادوار گذشته استفاده از سپر برای ایجاد تردید در نزد رزمندگان جبهه مقابل بود و معمولاً از افراد وابسته به دشمن (اسیران جنگی یا غیرنظامیان تبعه دشمن) به‌عنوان سپر استفاده می‌شد، در سال‌های اخیر شاهد آن هستیم که استفاده از سپر انسانی به‌منظور فشار بر افکار عمومی صورت می‌گیرد. آنان که در مقابل ارتش‌های بزرگ می‌جنگند به‌همین دلیل بیشتر وسوسه می‌شوند که از این ابزار علیه دشمن استفاده کنند؛ زیرا می‌دانند که این ارتش‌ها که متعهد به اجرای حقوق بشردوستانه مدرن و رعایت اصل تفکیک هستند ممکن است به‌خاطر آسیب رساندن به غیرنظامیان در افکار عمومی شماتت شوند و چه بسا به‌همین دلیل دست از حمله بکشند.

البته در غیر این شرایط نیز همواره در یک درگیری مسلحانه این احتمال وجود دارد که طرفین به‌منظور رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب از نبرد خود، از وضعیت غیرنظامیان به‌عنوان اشخاصی که نباید موضوع حمله مستقیم واقع شوند سوءاستفاده نمایند. بدین ترتیب ممکن است به اجبار غیرنظامیان را سپر اهداف مشروع نظامی - که به‌موجب حقوق مخاصمات می‌توانند

1. Human Shield

۲. برای مثال فردریک بارباروسا فرمانروای بزرگ امپراتوری مقدس روم، بزرگترین الگوی آدولف هیتلر در کشورگشایی آلمانی‌ها، سال ۱۱۵۹ میلادی در محاصره شهر کروما در ایتالیا برای وادار کردن مردم این شهر به تسلیم در برابر نیروهای شماری از کودکان کروما را اسیر کرده و آنها را مقابل سپاه خویش قرار داد تا به‌عنوان سپر انسانی عمل کنند. برای اطلاعات بیشتر ر.ک.:

Dana, Facaros, Michael, Pauls, (2006), *Lombardy and the Italian Lakes*, New Holland Publishers, p. 27; The Oxford Encyclopedia of Medieval Warfare and Military Technology, Publisher Oxford University Press, p. 441.

همچنین در قرن سیزدهم میلادی مغول‌ها در لشکرکشی به ژاپن ابتدا دستان تعدادی از زنان ژاپنی را سوراخ و با طنابی آنها را به یکدیگر وصل کرده و در نهایت مقابل ارتش مغول به حرکت درآوردند. برای اطلاعات بیشتر ر.ک.:

Peter, Fraser Purton, (2010), *A History of the Late Medieval Siege 1200-1500*, Publisher Boydell & Brewer, p. 106.

۳. با توجه به ماده ۲۲ مقررات راجع به حقوق و عرف‌های جنگ زمینی ۱۹۰۷ لاهه که «حق متخاصمان در انتخاب ابزارهای ورود خسارت به دشمن نامحدود نیست»، می‌توان ممنوعیت استفاده از سپر انسانی به‌موجب این مجموعه از قوانین برداشت نمود.

موضوع حملات مستقیم دشمن واقع شوند- قرار داده و یا افراد را به انجام چنین عملی تشویق و ترغیب کنند.

امروزه، به‌ویژه، به دلیل همان امکان فشار بر افکار عمومی با گسترش پدیده سپرهای داوطلب مواجه هستیم. سپرهای داوطلب ممکن است بدون تأثیرپذیری از سوی یکی از طرفین مخاصمه حاضر به انجام چنین عملی شده باشند. حضور طرفداران صلح و فعالان ضد جنگ در برخی مخاصمات اخیر به همین دلیل صورت گرفته است.^۱ در چنین وضعیتی، سپرهای انسانی مطابق میل و اراده خود خواهان ممانعت از حمله به هدفی نظامی هستند. در حالی که چه بسا علقه‌ای بین آن‌ها و طرف‌های مخاصمه وجود نداشته باشد. حضور داوطلبان ممکن است به این معنی باشد که آن‌ها حمله به برخی اماکن را نامشروع می‌دانند و مخالفت خود را با هدف قرار دادن این اماکن از طریق حضور در مقابل آن‌ها به نمایش می‌گذارند؛ مانند غیرنظامیانی که با پوشیدن لباس‌های سفیدی که علامت هدف روی آن حک شده بر روی پل‌های درون‌شهری پایتخت حاضر شوند برای اینکه به رسانه‌ها نشان دهند انهدام این پل‌ها قبل از آنکه مزیت نظامی فوری برای طرف مقابل ایجاد کند ضربه‌زننده به زندگی مدنی مردم عادی پایتخت است.^۲

مقاله حاضر به این پدیده جدید نظر انداخته و می‌خواهد وضعیت حقوقی این نوع از سپر انسانی را بررسی کند. وضعیتی که در خصوص آن اختلاف نظر جدی بین حقوقدانان وجود دارد. برخی حقوقدانان با مشارکت مستقیم دانستن رفتار کسانی که بدین ترتیب خود را در مقابل اهداف سپر می‌کنند مدعی محرومیت سپرهای داوطلب از حمایت‌های حقوق بشردوستانه بوده، بر این باورند که مقررات بشردوستانه در حمایت از سپر انسانی تنها در خصوص سپرهای غیر داوطلبانه قابلیت اعمال دارد. لیکن عده‌ای دیگر با رد این ادعا معتقد به اعمال حمایت‌های حقوق بشردوستانه نسبت به تمامی سپرهای انسانی بوده و عمل سپر انسانی داوطلبانه را صرفاً مشارکت غیرمستقیم غیرنظامیان قلمداد می‌نمایند.

۱. غیرنظامیان آمریکایی در سال ۲۰۰۳ به منظور سپر شدن در برابر اهدافی که دولت آمریکا خواهان هدف‌گیری آن‌ها بود، وارد خاک عراق شدند. برای اطلاعات بیشتر ر.ک.:

Gabriel H, Teninbaum, (2004), "American Volunteer Human Shields in Iraq: Free Speech or Treason?", *Suffolk Transnational Law Review*, Vol. 28, pp. 139, 157 and 158.

۲. مثال بارز در این زمینه حضور شماری از مردم صربستان بر روی پل‌هایی از شهر بلگراد در سال ۱۹۹۹ با هدف ممانعت از بمباران آن‌ها توسط نیروهای ناتو است. برای اطلاعات بیشتر ر.ک.:

Eric R, Christensen, (2009), "The Dilemma of Direct Participation in Hostilities", *The University of Texas Press*, p. 288; Stéphanie, Bouchié de Belle, (2008), "Chained to Cannons or Wearing Targets on Their T-Shirts: Human Shields in International Humanitarian Law", *International Review of Red Cross*, p. 884.

برای رسیدن به پاسخی روشن در این خصوص، لازم است ابتدا وضعیت سپر انسانی در حقوق بشردوستانه را مرور کرده و بعد با تقسیم‌بندی انواع سپر انسانی، آثار آن را بر طرف‌های مخاصمه مرور کنیم (گفتار ۱). سپس مشارکت مستقیم در مخاصمات را مورد مطالعه قرار داده (گفتار ۲) و آنگاه با بررسی دیدگاه‌های مختلف در خصوص مشارکت مستقیم بودن سپر انسانی دوطلبانه (گفتار ۳) از بحث نتیجه‌گیری می‌کنیم.

۲. حقوق بشردوستانه بین‌المللی و سپر انسانی

حقوق بشردوستانه بین‌المللی به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد که با حمایت از غیرنظامیان خواهان تسکین آلام ناشی از مخاصمات است، استفاده از سپر انسانی را ممنوع نموده است. استفاده از سپر انسانی که به‌منظور جلوگیری از حمله به نیروها و اموال نظامی صورت می‌پذیرد و در ادبیات نظامی از آن با عنوان «مقابله با هدف‌گیری»^۱ یاد شده (Schmitt, 2009: 17) در مقررات ۱۹۰۷ لاهه، بند ۲ ماده ۲۳ کنوانسیون سوم و ماده ۲۸ کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹ ژنو، بند ۴ ماده ۱۲ و بند ۷ ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو صراحتاً منع شده است.^۲ علاوه بر اسناد مطروحه، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، سند دیگری است که استفاده از سپر انسانی را ممنوع دانسته است. به موجب شق ۲۳ جزء ب بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان، «بهره بردن از حضور سکنه یا افراد غیرنظامی، برای مصون داشتن نقاط، مناطق یا نیروهای نظامی خاص در مقابل عملیات نظامی» به‌هنگام مخاصمه‌ای بین‌المللی از مصادیق جنایت جنگی به‌شمار می‌رود.

در میان مقرراتی که استفاده از سپر انسانی را ممنوع دانسته‌اند کامل‌ترین و جامع‌ترین مقرر، بند ۷ ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ است که به طرز استنادانه‌ای عبارت‌پردازی شده است. طبق این ماده، «حضور یا نقل و انتقال سکنه یا افراد غیرنظامی نباید برای مصون ساختن نقاط یا مناطق مشخص در برابر عملیات نظامی خصوصاً در تلاش برای محافظت از اهداف نظامی در برابر حمله یا محافظت، پشتیبانی یا ممانعت از عملیات نظامی مورد استفاده

۱. Counter-Targeting

۲. برای ترجمه فارسی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و دو پروتکل الحاقی آن ر.ک.: کنعانی، محمدطاهر، هاجر سیاه‌رستمی و کتابیون حسین‌نژاد، (۱۳۸۵)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، چاپ دوم، تهران، انتشارات جمعیت هلال احمر. ترجمه مواد مورد استفاده در این مقاله برگرفته از همین منبع می‌باشد مگر در مواردی استثنایی که ترجمه رسمی «قانون اجازه الحاق دولت ایران به قراردادهای معروف به قرارداد ژنو» مندرج در مجموعه قوانین سال ۱۳۳۴ ترجیح داده شده باشد.

قرار گیرد. طرف‌های مخاصمه نباید به منظور استتار اهداف نظامی در برابر حمله یا پوشش دادن به عملیات نظامی دستور جابجایی سکنه یا افراد غیرنظامی را بدهند». طبق مطالعه‌ای که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ دربارهٔ حقوق بشردوستانه بین‌المللی عرفی انجام داده، تحقق جنایت «استفاده از سپر انسانی، نیازمند در کنار هم قرار دادن عمدی اهداف نظامی و غیرنظامیان یا اشخاص از صحنهٔ نبرد خارج شده، با هدف خاص تلاش برای جلوگیری از هدف‌گیری اهداف نظامی می‌باشد». (Henckaerts and Doswald-Beck, 2009: 401)

علی‌رغم ممنوعیت استفاده از سپر انسانی، نقض این مقرر در مخاصمات امروزی فراگیر شده، به گونه‌ای که در تمامی مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیر آن مصادیقی از وقوع آن گزارش شده است. برای مثال این ممنوعیت در سیرالئون، (Zarifis, 2002: 18) بوسنی،^۱ کوزوو^۲ و لیبیا (UN Secretary General, 1996: 24) نقض شده است. حتی در جنگ ایران و عراق نیز این عمل تکرار شده و شواهد موجود، استفادهٔ دولت عراق از سپر انسانی را تأیید می‌نمایند. (UN Secretary General, 1983) به‌رغم اینکه شواهد بسیاری مبنی بر استفاده اسرائیل از مردم فلسطین و غزه به‌عنوان سپر انسانی وجود دارد. (Amnesty International, 2009; Human Rights Watch, 2002)

رژیم اشغالگر قدس بارها مدعی شده که مبارزان فلسطینی و اعضای حماس از مردم غیرنظامی برای دفاع از خود استفاده می‌کنند، (Fischer, 2007: 7) البته این ادعای اسرائیل تاکنون اثبات نشده است. (Human Rights Watch, 2007)

استفاده از غیرنظامیان به‌عنوان سپر انسانی ممکن است به دو طریق واقع شود: نخست، قرار دادن غیرنظامیان در خط آتش^۳ و دوم، کشاندن عمدی جنگ به مناطق مملو از جمعیت. در حالت اول غیرنظامیان به‌عنوان سپر دفاعی نظامیان یا تجهیزات نظامی مانع از حمله به آن‌ها شده و در حالت دوم اهداف نظامی همچون نیروها و تسلیحات نظامی در میان جمعیت غیرنظامی قرار می‌گیرند. طرف استفاده‌کننده از سپر انسانی، از عمل خود دو هدف دارد: (۱) طرف مقابل به دلیل رعایت اصل مصونیت غیرنظامیان، از حمله به آن‌ها خودداری نماید و یا (۲) آسیب‌های احتمالی وارده به

1. See: ICTY, "Prosecutor v. Aleksovski, Case No. IT-95-14/1-A", Judgment, para. 175-176 and 183, Available at: www.icty.org/x/cases/aleksovski/acjug/en/ale-asj000324e.pdf; ICTY, "Prosecutor v. Blaskic, Case No. IT-95-14-T", Judgment, para. 709-16, 742-43, Marce 3, 2000, Available at: www.icty.org/x/cases/blaskic/tjug/en/bla-tj000303e.pdf

2. See: ICTY, "Final Report to the Prosecutor by the Committee Established to Review the Nato Bombing Campaign against the Federal Republic of Yugoslavia", para. 88, Available at: http://www.icty.org/x/file/About/OTP/otp_report_nato_bombing_en.pdf

3. Line of Fire

رزمندگان را به غیرنظامیان منتقل کند. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۲ و بعد از حمله نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا به افغانستان، گروه طالبان با استفاده از سپرهای انسانی سعی نمود این دو هدف را محقق سازد. (Rosen, 2009: 747) شورای امنیت نیز استفاده طالبان و دیگر گروه‌های افراطی از غیرنظامیان به عنوان سپر انسانی در افغانستان را محکوم نمود. (UN Security Council: 2007)

۳. انواع سپر انسانی

برخی صاحب نظران با نگاهی به گذشته و توجه به وقایعی که به نوعی مصداق سپر انسانی قلمداد می‌شوند، معتقدند سپر انسانی ممکن است به سه حالت داوطلبانه، غیر داوطلبانه و در مجاورت محقق شود. (Schoenekase, 2004: 26-27) طبق این نظر برخی از سپرهای انسانی با میل و رغبت سعی در حفاظت از اهداف نظامی داشته، در حالی که برخی دیگر مجبور به انجام چنین عملی شده‌اند. حالت سوم نیز مربوط به مواردی است که یک طرف درگیری نیروها و تسلیحات نظامی خود را در مجاورت غیرنظامیان، مثلاً مناطق روستایی قرار داده تا از این طریق مانع از هدف‌گیری این اهداف از سوی طرف مقابل شود. در این حالت نه میل و رغبت وجود دارد و نه جابجایی با توسل به زور رخ داده است.

عده‌ای دیگر معتقدند بر اساس نحوه حضور سپر انسانی، می‌توان آن را به سه دسته داوطلبانه، غیر داوطلبانه و ناآگاهانه تقسیم کرد. از این رو، سپر انسانی داوطلبانه به معنای حضور ارادی و سپر انسانی غیر داوطلبانه به معنای حضور غیرارادی فرد بوده در حالی که در سپر انسانی ناآگاهانه، فرد بدون اینکه نسبت به سپر شدن مجبور یا داوطلب شده باشد در مجاورت اهداف نظامی حضور دارد. (Artz, 2012:1466)

البته اکثر حقوقدانان، تنها رضایت را مبنای تقسیم قرار داده و با توجه به اینکه ممکن است اشخاص یا به اجبار یا مطابق میل و رضایت خود سپر اهداف نظامی شوند، سپر انسانی را تنها به دو نوع داوطلبانه و غیر داوطلبانه تقسیم می‌کنند. (Al-Duaij, 2008: 6; Schmitt, 2012: 24) در کنار اختلاف نظرهایی که در خصوص مبنای تقسیم‌بندی سپر انسانی وجود دارد، برخی نیز چنین تقسیم‌بندی‌هایی را، به سبب اینکه حمایت‌های حقوق بشر دوستانه از تمامی سپرهای انسانی یکسان است، بی‌فایده دانسته و تفکیک قائل شدن میان سپرها را جایز نمی‌دانند. (Bouchié de Belle, 2008:894)

اما از آنجایی که عنصر اراده مبنای اختلاف نظر اکثریت حقوقدانان در خصوص سپر انسانی است، در این مقاله، ذیل بحث انواع سپر انسانی از همین دیدگاه تبعیت کرده و در آخر نتیجه

حاصل از این تفکیک و تقسیم‌بندی تشریح می‌شود.

۱-۳. سپر انسانی غیر داوطلبانه

زمانی می‌توان سپرهای انسانی را غیر داوطلبانه دانست که یک طرف درگیری غیر نظامیان یا دیگر اشخاص مورد حمایت حقوق بشردوستانه را به اجبار و یا بدون تمایل آن‌ها سپر اهداف نظامی قرار داده باشد. (Al-Duaij, 2008: 12) همان‌گونه که مطرح شد، استفاده از سپرهای انسانی غیر داوطلبانه در مخاصمات بارها اتفاق افتاده است. برای مثال، در جریان جنگ اول خلیج فارس که در سال ۱۹۹۱ میان عراق و کویت واقع شد، دولت عراق به منظور حفظ نیروها و تجهیزات نظامی خود از غیر نظامیان به عنوان سپر انسانی استفاده نمود که این عمل در نهایت از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد محکوم شد. (UN General Assembly, 1991) همچنین در جنگ آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ نیروهای نظامی عراقی به اجبار زنان و کودکان بی‌گناه را در مقابل خود قرار داده و از پشت آن‌ها به نیروهای آمریکایی و انگلیسی حمله می‌کردند تا از این طریق جان خود را حفظ کنند. آن‌ها همچنین خود را در مناطق غیر نظامی پنهان نموده و از این منطقه حملات خود را انجام می‌دادند. (Human Rights Watch, 2003: 3)

حضور سپرهای انسانی غیر داوطلبانه در برابر اهداف نظامی را قطعاً نمی‌توان به معنای مشارکت مستقیم این افراد در مخاصمات دانست، (Schmitt, 2004: 17) در نتیجه طرف روبروشونده با آن‌ها، در حمله به هدف حفاظت شده ملزم به رعایت اصل تناسب است. به موجب این اصل، در صورتی که تلفات و خسارت وارده به غیر نظامیان نسبت به مزیت نظامی مورد انتظار از حمله نامتناسب باشد، حمله‌کننده باید از ادامه عملیات صرف نظر نموده و حمله را لغو یا تعلیق کند. حتی دادگاه عالی اسرائیل در رسیدگی به شکایت از ترورهای هدفمند ارتش رژیم اشغالگر قدس علیه فلسطینیان اقدام به کشتار هدفمند^۱ را محدود به توجه به وضعیت غیر نظامیان دانسته و اظهار داشته در فرضی که از غیر نظامیان به اجبار برای محافظت از رزمندگان استفاده شده باشند، آنان سپر انسانی غیر داوطلب بوده و^۲ از آنجایی که غیر نظامیان در

1. Targeted Killing.

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک.:

High Court of Justice of Israel, (2006), "Public Committee against Torture in Israel et al. v. Government of Israel et al", (Targeted Killing Case), Case No. 796/02, Judgement, December 13, para. 18, Available at: <https://www.law.upenn.edu/institutes/cerl/conferences/targetedkilling/papers/IsraeliTargetedKillingCase.pdf>; Harvard University Program on Humanitarian Policy and Conflict

سپر شدن خود نقشی نداشته‌اند، طرفی که با این نوع سپرها روبرو می‌شود، برای ادامه عملیات نظامی خود باید اصل تناسب را مورد توجه قرار دهد؛ بنابراین، این نوع از سپرهای انسانی همچنان وضعیت خود به‌عنوان غیرنظامی را حفظ کرده و به‌سبب برخورداری از همین وضعیت از حمایت‌هایی که در مقررات بشردوستانه برای سپرهای انسانی در نظر گرفته شده بهره‌مند می‌شوند. (Sassòli, Bouvier and Quintin, 2011: 173)

۲-۳. سپر انسانی داوطلبانه

برخلاف سپرهای انسانی غیر داوطلبانه که غیرنظامیان بدون خواست و اراده خود در مقابل اهداف نظامی قرار می‌گیرند، سپرهای انسانی داوطلبانه غیرنظامیانی هستند که بدون اجبار و با آگاهی کامل از خطراتی که در اقدام آن‌ها وجود دارد، سپر اهداف نظامی می‌شوند. داوطلبان از سپر شدن همان هدفی را دنبال می‌کنند که یک طرف با استفاده از سپرهای انسانی غیر داوطلبانه سعی در تحقق آن دارد. آنان با بهره‌گیری از وضعیت حقوقی خود به‌عنوان افرادی که به‌موجب حقوق بشردوستانه نباید موضوع حمله مستقیم قرار گیرند، به دنبال ممانعت از حمله دشمن به اهداف مورد توجه دشمن هستند.

سپرهای انسانی داوطلبانه که اغلب از اتباع یکی از طرفین مخاصمه هستند، با ایجاد مخاطره جانی برای خویش، سعی در حفاظت از اهداف نظامی کشور متبوع خود دارند. مثال بارز در این زمینه حضور شماری از مردم صربستان بر روی پل‌هایی از شهر بلگراد در سال ۱۹۹۹ در ممانعت از بمباران این پل‌ها توسط نیروهای ناتو، در جنگ کوزوو است.

(Christensen, 2009, 8; Bouchié de Belle, 2008: 884) سپرهای انسانی داوطلبانه همچنین ممکن است از اتباع دولت‌های بی‌طرف، یا حتی دشمن باشند. برای نمونه، در سال ۲۰۰۳، گروهی از اتباع کشورهای مختلف در پرتو حمایت‌های سازمان‌های غیردولتی، قبل از شروع حملات آمریکا به عراق به این کشور رفتند تا با حضور عامدانه خود در برابر اهداف نظامی مانع از شعله‌ور شدن آتش جنگ در این منطقه شوند. (Quéguiner, 2006: 815; Schmitt, 2004: 18) آن‌ها سعی داشتند نیروهای متحد را به دلیل حضور خود به‌عنوان غیرنظامی مجبور به انصراف از حمله کنند.

در خصوص سپرهای داوطلب دو ابهام وجود دارد. یکی ابهام ممنوعیت این عمل از دید حقوق بشردوستانه و دیگری ابهام درباره وضعیت حقوقی این افراد است. در حقوق بشردوستانه مقررهای که صراحتاً سپر شدن داوطلبانه غیرنظامیان در برابر اهداف نظامی را ممنوع نموده باشد، وجود ندارد. به علاوه، مشخص نیست که آیا می‌توان گفت اشخاصی که به این ترتیب بین دو طرف مخاصمه حائل می‌شوند، در مخاصمه مشارکت مستقیم داشته‌اند یا خیر. ما در این مقاله به طور مستقل به مسئله ممنوعیت یا مشروعیت این رفتار نخواهیم پرداخت بلکه، وضعیت حقوقی سپرهای انسانی داوطلبانه نقطه تمرکز این تحقیق است.

۴. نتیجه تفکیک میان انواع سپر انسانی

قبل از هر چیز باید یادآور شد که بر اساس بند ۸ ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو تخلفات یک طرف مخاصمه، طرف دیگر را از حمایت از جمعیت غیرنظامی معاف نمی‌کند، بنابراین حتی در صورت نقض ممنوعیت استفاده از سپر انسانی از سوی یک طرف مخاصمه، طرف دیگر همچنان به تعهدات مندرج در ماده ۵۷ پروتکل مذکور پایبند است. موضوع ماده ۵۷ اقدامات احتیاطی است که باید به هنگام حمله مد نظر قرار گیرند. معنی مخالفی که می‌توان از این مقررات استنباط کرد این است که وجود غیرنظامیان (از جمله به‌عنوان سپر انسانی) به‌طور کلی مانع از حمله نیست بلکه باید به هنگام حمله مجموعه‌ای از اقدامات احتیاطی را به کار گرفت و در صورت رعایت ضوابط ماده ۵۷، امکان حمله به هدف مزبور کماکان وجود دارد.

طبق شق سوم جزء الف بند ۲ ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول، کسانی که برای انجام حمله برنامه‌ریزی یا تصمیم‌گیری می‌کنند، «اگر احتمال رود که بر اثر حمله میزان خسارت جانی به غیرنظامیان، یا مجروح شدن آن‌ها و یا آسیب رساندن به اموال غیرنظامی و یا مجموعه‌ای از آن‌ها، نسبت به مزیت‌های نظامی عینی و مستقیم پیش‌بینی شده، بیش از اندازه باشد، می‌بایست از تصمیم به انجام حمله خودداری نمایند»؛ بنابراین در صورت حضور سپرهای انسانی در برابر اهداف نظامی، طرفی که با آن‌ها مواجه می‌شود برای ادامه عملیات نظامی خود می‌بایست مزیت نظامی حاصل از حمله و تلفات وارده به غیرنظامیان را برآورد کرده و به شرط اینکه مزیت نظامی مورد انتظار از حمله، نسبت به خسارت احتمالی وارده به غیرنظامیان بیش از اندازه باشد، می‌تواند به هدف نظامی مزبور حمله نماید. در نتیجه اگر کفه ترازو به نفع مزیت نظامی سنگینی نکند حمله‌کننده باید از ادامه حمله منصرف شود، در غیر این صورت حمله واقع شده نامتناسب

بوده و موجب مسئولیت وی می‌شود.

علاوه بر اصل تناسب، اقدامات احتیاطی دیگری نیز می‌بایست از سوی حمله‌کننده رعایت گردند. البته در پیش گرفتن این اقدامات تا جایی که امکان اعمال آن‌ها وجود داشته باشد لازم و ضروری است. دیگر اقدامات احتیاطی که می‌بایست از سوی حمله‌کننده انجام شوند عبارت‌اند از:

۱- تلاش دائمی به آسیب ندیدن غیرنظامیان و اموال آن‌ها به هنگام انجام عملیات نظامی؛
 ۲- تا حد امکان کنترل اینکه اهدافی که قرار است به آن حمله شود، مشتمل بر افراد و اموال غیرنظامی نیستند؛
 ۳- به کارگیری کلیه احتیاطات ممکن در انتخاب وسایل و شیوه‌های حمله تا از خسارت جانی اتفاقی به غیرنظامیان، مجروح شدن غیرنظامیان و نیز آسیب رساندن به اموال غیرنظامی اجتناب نموده و یا آن را به حداقل رسانند؛
 ۴- لغو یا تعلیق حمله در صورتی که مشخص شود هدف نظامی نبوده یا تحت حمایت خاص بوده و یا آن حمله نامتناسب خواهد بود؛
 ۵- دادن هشدار اولیه مؤثر در خصوص حملاتی که جمعیت غیرنظامی را تحت تأثیر قرار می‌دهند مگر اینکه اوضاع و احوال چنین امری را ایجاب نسازد؛
 ۶- زمانی که برای رسیدن به مزیت نظامی مشابه امکان انتخاب میان اهداف متعدد وجود دارد، هدفی باید انتخاب شود که انتظار می‌رود خطر کمتری برای غیرنظامیان داشته باشد.

برخی نویسندگان معتقدند لزوم رعایت این تعهدات در مواجهه با سپر انسانی تنها در صورت غیر داوطلبانه حضور آنان است. (Bargu, 2013: 3; Ezzo and Schmitt, 2004: 23)
 در حالی که با حضور داوطلبانه افراد در برابر اهداف نظامی مفهوم مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمه تحقق یافته و از این رو، چنین سپرهایی از شمول حمایت‌های حقوق بشر دوستانه نسبت به سپرهای انسانی محروم خواهند بود؛ چرا که بر اساس بند ۳ ماده ۵۱ پروتکل اول غیرنظامیان نباید موضوع حمله مستقیم واقع شوند مادامی که در مخاصمات مشارکت مستقیم نداشته باشند. به عبارت دیگر، مشارکت ارادی سپرهای داوطلب در مخاصمات سبب می‌شود این نوع از سپرها وضعیت غیرنظامی خود را از دست داده و خود اهداف مشروع عملیات نظامی تلقی شوند.
 راستی آزمایی این ادعا در گرو داشتن تصویر روشن‌تری از مفهوم مشارکت مستقیم است:

۵. مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات

خلاصه اصل تفکیک در مقررات بشر دوستانه آن است که از یک سو غیرنظامیان در امان

هستند و نمی‌توان آن‌ها را مستقیماً هدف قرار داد و در نقطهٔ مقابل غیرنظامیان برای بهره‌بردن از امنیت در جنگ و هدف نبودن باید از مشارکت مستقیم در مخاصمه اجتناب کنند. در صورتی که غیرنظامیان در مخاصمات مشارکت مستقیم جویند از این مصونیت بی‌نصیب مانده و می‌توانند مستقیماً هدف قرار گیرند.^۱ بنابراین با مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات، آن‌ها از حمایت به‌عنوان غیرنظامی محروم شده اما به‌محض توقف این مشارکت، علی‌رغم اینکه ممکن است به‌خاطر تمامی اقدامات خصمانه‌ای که انجام داده‌اند محاکمه و مجازات شوند، مجدداً از حمایت‌های مربوطه به غیرنظامیان برخوردار شده و دیگر نمی‌توانند به‌طور مستقیم مورد هدف قرار گیرند. نکته ظریف در اینجا آن است که ممنوعیت رفتار به «مشارکت مستقیم» محدود شده و غیرنظامیان با مشارکت غیرمستقیم در مخاصمه مصونیت خویش را از دست نمی‌دهند؛ زیرا اساساً غیرقابل تصور است که کشوری در جنگ باشد و حقوق بین‌الملل از اکثریت مردم آن کشور بخواهد نسبت به این جنگ بی‌طرف و بی‌تفاوت باشند و وظیفه جنگیدن را تنها به دولت و سپاهیان بسپارند؛ بنابراین باید بین مشارکت مستقیم و مشارکت غیرمستقیم - و مجاز - غیرنظامیان تفکیک قائل شد.

با وجود اینکه حقوق بشردوستانه به این موضوع توجه داشته و تنها مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات را نافی حقوق حمایتی دانسته، لیکن تعریفی از آن ارائه نکرده است. مبهم ماندن مفهوم مشارکت مستقیم موجب تهدید و نقض شدید حقوق غیرنظامیان می‌شود؛ زیرا هرطرف ممکن است مجموعه خاصی از رفتارها را مشارکت مستقیم دانسته و غیرنظامیانی را که به انجام آن‌ها مبادرت کنند فاقد پوشش حمایتی بدانند. به‌علاوه روشن نبودن قواعد باعث می‌شود رزمندگان در صحنه نبرد به‌درستی ندانند کدام غیرنظامی را می‌توان یا نمی‌توان مورد هدف قرار داد. اثر این ابهام در موضوع مورد بحث ما یعنی سپرشدن داوطلبانه غیرنظامیان در مقابل اهداف نظامی هم کاملاً روشن است. این مشکل تا جایی بود که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را واداشت تا با ارائه تفسیری از موضوع مولفه‌های مشخصی را برای تمییز مشارکت مستقیم از مشارکت غیرمستقیم ارائه دهد. در این مقاله راهنمای تفسیری ۲۰۰۹ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را که به‌نظر می‌رسد ادراکی روشن از این مفهوم ارائه می‌کند، مبنا قرار داده و سعی کرده‌ایم در کوتاه‌ترین شکل ممکن این مفهوم را تبیین کنیم تا در نهایت وضعیت حقوقی سپرهای انسانی داوطلبانه با محک این مؤلفه‌ها مشخص شود.

۱. طبق بند ۳ ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷: «غیرنظامیان از حمایت‌های پیش‌بینی شده در این بخش برخوردار خواهند شد، مگر و تا مدتی که مستقیماً در مخاصمات شرکت جویند».

۶. مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمات

مفهوم مشارکت مستقیم در حقوق بشردوستانه مشخص نشده و تعریف مورد توافق از آن را هم نمی‌توان از رویه دولت‌ها یا رویه قضایی بین‌المللی برداشت نمود؛ بنابراین، این مفهوم باید با حسن نیت^۱ طبق معنای معمولی که به واژگان اساسی آن در متن مواد داده شده و در پرتو موضوع و هدف حقوق بشردوستانه تفسیر شود. (Melzer, 2009: 45) مفهوم مزبور برگرفته از عبارت «عدم مشارکت فعال در مخاصمات»، مذکور در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، است. متون انگلیسی کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی، به ترتیب از واژگان «فعال»^۲ و «مستقیم»^۳ استفاده نموده، اما استفاده مستمر از عبارت «مشارکت مستقیم» در متون فرانسوی نشان می‌دهد که واژگان «مستقیم» و «فعال» به کیفیت و درجه مشابهی از مشارکت فردی در مخاصمات اشاره دارند. به عبارت روشن‌تر، مشارکت مستقیم و مشارکت فعال در مخاصمه به یک معنا می‌باشند. دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا بیان داشته که هر دوی این واژگان به قدری شبیه هم هستند که مترادف یکدیگرند. (ICTR, 1998: 629) به علاوه، از آنجایی که مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمات در پروتکل‌های اول و دوم به طور مشابه به کار رفته، معنایی که از آن می‌توان برداشت نمود، در تمامی مخاصمات بین‌المللی و غیربین‌المللی یکسان است. (Melzer, 2009: 47)

برای اینکه یک غیرنظامی مصونیت از حمله را از دست دهد اولاً باید مخاصمه‌ای وجود داشته باشد؛ و ثانیاً باید او اقداماتی در چارچوب این مخاصمه انجام داده باشد که بتوان آن را مداخله در آن مخاصمه دانست. «مخاصمه» عبارت است از توسل طرفین درگیری به وسایل و شیوه‌های آسیب زدن به طرف مقابل و «مشارکت» دخالت یک شخص در این مخاصمه است که بر اساس کیفیت و درجه چنین دخالتی، مشارکت ممکن است وصف «مستقیم» یا «غیرمستقیم» یابد. کمیسیون آمریکایی حقوق بشر در گزارش خود پیرامون حقوق بشر در کلمبیا، بر لزوم تفکیک میان مشارکت مستقیم و غیرمستقیم در مخاصمات تأکید ورزیده، (Inter-American Commission on Human Rights, 1999: 61) زیرا مشارکت «مستقیم» در مخاصمات است که منجر به از دست رفتن مصونیت غیرنظامیان می‌شود؛ بنابراین صرف مشارکت باعث لغو مصونیت غیرنظامیان در برابر حملات طرف مقابل نمی‌شود. بنابر گزارش

۱. بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین مقرر می‌دارد: «یک معاهده با حسن نیت و منطبق با معنای معمولی‌ای که باید به اصطلاحات آن در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده شود، تفسیر خواهد شد».

2. Active
3. Direct

مزبور، «صرف حمایت از فعالیت‌های جنگی یا نظامی یک طرف مخاصمه»، مشارکت غیرمستقیم در مخاصمات است. اقداماتی همچون «فرستادن کالا به یک یا چند طرف درگیری، ابراز همدردی به خاطر خسارت وارده به یک طرف مخاصمه» مشارکت غیرمستقیم هستند. در مقابل، مشارکت مستقیم شامل دست زدن به «اقدامات خشونت‌آمیزی است که برای یک طرف درگیری خطر ایجاد خسارت واقعی و فوری را به همراه داشته باشد». (Harvard University

Program on Humanitarian Policy and Conflict Research, 2007: 8)

در سال ۲۰۰۳، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با مشارکت انستیتوی آسر^۱ مطالعاتی را در خصوص مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمات آغاز نمود. هر دو نهاد سعی داشتند تنها به تفسیر مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی پرداخته و از این طریق عناصر لازم برای تحقق مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمات را مشخص نمایند. (ICRC, 2007:18) نتیجه این همکاری تهیه راهنمای تفسیری بود که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد. در راهنمای تفسیری مذکور، ذیل تفسیر بند ۳ ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو، «مشارکت مستقیم» به اقداماتی اطلاق شده است که «از نظر ماهیت یا هدف ممکن است منجر به ورود آسیب واقعی به کارکنان و تجهیزات نیروهای مسلح دشمن شوند». (Schmitt, 2010: 711; Pilloud, Sandoz, Swinarski and Zimmermann, 1987: 618) در صورت تردید در مورد اینکه رفتار خاصی از سوی یک غیرنظامی مصداقی از مشارکت مستقیم در مخاصمات است یا خیر، طبق قاعده کلی حمایت از غیرنظامیان فرض بر آن خواهد بود که رفتار مزبور مشارکت مستقیم در مخاصمات محسوب نمی‌شود. (Melzer, 2009: 79-80) این قاعده به دلیل اهمیت ممانعت از هدف‌گیری خودسرانه و نادرست غیرنظامیان بوده، لذا در تشخیص تحقق مفهوم مشارکت مستقیم و به تبع آن از بین رفتن حمایت‌های غیرنظامیان باید همه احتیاط‌های ممکن در پیش گرفته شوند. (Melzer, 2009: 80)

۷. عناصر متشکله مشارکت مستقیم

راهنمای تفسیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تبیین مفهوم مشارکت مستقیم از غیر مستقیم بسیار راه‌گشاست. بر اساس این راهنما برای اینکه عملی مشارکت مستقیم در مخاصمات دانسته شود باید واجد سه مشخصه باشد:

۱- احتمال آن برود که عمل مورد نظر عملیات نظامی یا توانایی نظامی طرف مخاصمه را

به طور نامطلوب تحت تأثیر قرار دهد یا منجر به مرگ، آسیب یا نابودی اشخاص یا اموال حمایت شده در مقابل حمله مستقیم شود (آستانه آسیب)^۱؛ ۲- باید میان فعل و آسیبی که احتمالاً از آن فعل، یا از عملیات نظامی هماهنگی که آن فعل بخش جدایی ناپذیری از آن را تشکیل می دهد، رابطه سببیت مستقیم برقرار باشد (سببیت مستقیم)^۲؛ ۳- عمل باید به طور خاص به منظور ورود مستقیم آسیب در پشتیبانی از یکی از طرفین مخاصمه مسلحانه و به زیان طرف مقابل طراحی و اجرا شده باشد. (رابطه خصمانه)^۳ (Melzer, 2009: 20)

۲- شاید لازم باشد به توضیح بیشتری در خصوص این سه عنصر پردازیم تا قضاوت دقیقتری از رفتار سپرهای انسانی داوطلب داشته باشیم:

۸. ورود خسارت به طرف متخاصم

برای اینکه عمل خاصی مشارکت مستقیم در مخاصمه دانسته شود، آسیب احتمالی ناشی از آن عمل باید به آستانه مشخصی برسد. (Schmitt, 2010: 716) این آستانه می تواند از طریق ورود صدمه به هدف نظامی طرف دیگر یا مرگ، آسیب یا نابودی اشخاص یا اموال حمایت شده در مقابل حمله مستقیم محقق شود. منظور از آسیب احتمالی این است که برای شمول عمل مورد نظر در دامنه مفهوم «مشارکت مستقیم» لازم نیست حتماً آثار مذکور محقق شود و کافی است آن عمل محتمل به تحقق تأثیر نامطلوب باشد. به عبارت دیگر، تحقق ضرر مبتنی بر یک احتمال معقول است. برای مثال اگر کسی اسلحه به دست گرفته و به طرف دشمن شلیک کند. در اینجا لازم نیست گلوله ها به هدف بخورد تا مشارکت مستقیم مصداق پیدا کند و احتمال آسیب رسانی کافی است. منظور از آسیب نیز این است که عمل مورد نظر اثر نامطلوبی بر دشمن داشته باشد. برای تحقق این اثر، عمل واقع شده می بایست عملیات یا توانایی نظامی دشمن را مستقیماً تحت تأثیر قرار داده یا به اشخاص و اموال حمایت شده آن آسیب زند؛ بنابراین اگر غیرنظامیان با پرتاب اشیایی مثل میوه های پوسیده به سوی تانک های دشمن فقط انزجار خود را از یک طرف مخاصمه اعلام کنند این اقدام در حد آستانه خسارت تلقی نمی شود.

1. Threshold of Harm
2. Direct Causation.
3. Belligerent Nexus.

۹. وجود رابطه سببی میان عمل غیرنظامی و خسارات وارده

دیگر شرط پیشنهادی راهنمای تفسیری صلیب سرخ آن است که تنها اعمالی را مشارکت مستقیم بدانیم که مستقیماً خسارت وارد می‌کنند؛ یعنی باید میان عمل مورد نظر و صدمه وارده بر طرف مقابل در زمان و مکان وقوع آن عمل، رابطه سببیت مستقیم برقرار باشد، در نتیجه اعمالی مشارکت مستقیم به حساب می‌آیند که ماهیت و هدف آن‌ها ایجاد صدمه به کارکنان و تجهیزات نیروهای نظامی طرف مقابل است. (Melzer, 2009: 38) اما در جنگ‌های مدرن نمی‌توان همواره به سادگی این رابطه را یافت. عملیات جنگی امروزه بسیار پیچیده است و ساده‌لوحانه خواهد بود اگر تنها کسانی که ماشه را می‌کشند رزمنده و مشارکت‌کنندگان مستقیم تلقی کنیم. کمیته نیز با وقوف به این پیچیدگی اعلام می‌دارد برای آنکه عملی مشارکت مستقیم باشد باید میان عمل انجام شده و خسارتی که احتمالاً به عملیات یا توانایی نظامی یک طرف (به اشخاص و اموال حمایت شده) وارد می‌شود، رابطه سببی مستقیمی وجود داشته یا اینکه عمل مورد نظر «بخشی جدایی‌ناپذیر» از عملیات نظامی هماهنگی که احتمالاً خسارت پیش‌گفته را وارد می‌آورد به شمار رود. (Schmitt, 2010: 716; Melzer, 2009: 51) مثلاً اگر یک غیرنظامی خود اسلحه را به دست نگیرد ولی گلوله‌ها را او به سربازی برساند که در حال شلیک است یا آذوقه به چنین سربازی برساند باز هم مشارکت مستقیم محقق شده است؛ زیرا او بخشی از یک عملیات نظامی علیه دشمن است؛ اما غیرنظامیانی که در شهرهای دور از خطوط جبهه کارهای مشابهی انجام می‌دهند یعنی به تهیه مهمات یا آذوقه ارتش کمک می‌کنند، مشارکت غیرمستقیم در مخاصمه دارند.

۱۰. وابستگی عمل خسارت‌بار شخص غیرنظامی به عملیات نظامی یکی از طرفین

مخاصمه

مفهوم مشارکت مستقیم محدود به اعمال خاصی است که با مخاصمات واقع شده میان طرفین درگیری مسلحانه مرتبط هستند، به طوری که بخش تفکیک‌ناپذیری از مخاصمات را تشکیل می‌دهند. برای تحقق مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمات، یک عمل نه تنها باید حائز دو شرط پیش‌گفته، بلکه باید به طور خاص برای پشتیبانی از یک طرف مخاصمه و ورود ضرر به آن طراحی شده باشد. (Melzer, 2009: 62) پس عمل خشونت‌آمیزی که برای ورود ضرر به طرف مقابل یا به منظور پشتیبانی از یک طرف درگیری طراحی نشده، نمی‌تواند هیچ شکلی از مشارکت

در مخاصمات را تشکیل دهد؛ مگر اینکه عمل مزبور به حدی برسد که خود درگیری مسلحانه جداگانه‌ای در نظر گرفته شود که در این حالت نیز با یک طرف مخاصمه رابطه‌ای ندارد. (Melzer, 2009: 53) این مؤلفه به‌ویژه می‌خواهد اعمال خسارت‌باری را که به‌دلایل شخصی واقع می‌شوند از مشارکت مستقیم متمایز گرداند. برای مثال غیرنظامیانی که برای تأمین سوخت منزل خود به تانک‌های سوخت دشمن دستبرد زده باشند هرچند ماشین جنگی دشمن را فلج کرده‌اند و این تأثیر منفی مشخصی بر عملیات نظامی یک طرف مخاصمه گذاشته باشد اما این عمل را به منظور آسیب زدن به دشمن و حمایت از طرف مقابل انجام نداده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را به دلیل مشارکت مستقیم در مخاصمه مورد حمله قرار داد. همچنین است وضعیت زنی که برای حفظ حرمت خود به روی سرباز دشمن که قصد تعرض به او را داشته سلاح کشیده باشد. اکنون که مؤلفه‌های مشارکت مستقیم را شناختیم می‌توان امکان تشبیه سپرهای داوطلب به مشارکت مستقیم را به محک آن سنجید:

۱۱. سپر انسانی داوطلبانه به معنای مشارکت مستقیم در مخاصمه؛ نظرات موافق و

مخالف

حقوقدانان و صاحب‌نظران در عرصه حقوق بشردوستانه در خصوص وضعیت حقوقی سپرهای انسانی داوطلبانه مواضع مختلفی را اتخاذ نموده‌اند. برخی با یکی دانستن سپر انسانی داوطلبانه و مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمه مدعی شده‌اند حمایت‌های بشردوستانه از غیرنظامیان شامل حال این افراد نمی‌شود. با این استدلال که بر اساس ماده ۴۹ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، حملات می‌توانند در قالب اقدامات تهاجمی و دفاعی انجام شوند؛ بنابراین غیرنظامی می‌تواند هم در مقام دفاع و هم در مقام هجوم در مخاصمه مشارکت مستقیم داشته باشد. سپرهای داوطلبانه‌ای که سعی در ممانعت از حمله به هدف نظامی مشروع دارند، بدون در دست گرفتن سلاحی، در اقدامات دفاعی مشارکت جسته و از این‌رو خواهان افزایش توانایی مقاومت هدف نظامی در برابر دشمن هستند. (Rubinstein and Roznai, 2011: 119)

به‌علاوه، غیرنظامیان با حضور داوطلبانه خود در برابر هدف نظامی به‌عنوان سپر انسانی، در نبرد نظامی طرفی که خواستار حفاظت از هدف نظامی آن هستند همکاری نموده و از این طریق با ختنی ساختن عملیات نظامی طرف مقابل، باعث ورود خسارت به آن می‌شوند. (Ezzo and Guiora, 2006: 5; Schmitt, 2009: 25)

این نوع از سپرها همچون پدافندهای هوایی مانع از حمله به هدف مورد نظر شده (Schmitt, 2005: 541; Rosen, 2009: 8) و از این نظر در بسیاری از موارد تأثیر آنها نسبت به نظامیانی که با سلاح‌های در دست خود مبارزه می‌کنند بیشتر خواهد بود. (Schmitt, 2003: 100; Schmitt, 2009: 25; Rosen, 2009: 69)

مخالفان این برداشت معتقدند هنگامی می‌توان عملی را مشارکت مستقیم به حساب آورد که در نتیجه آن خسارتی عینی و واقعی به طرف مقابل وارد آید. در حالی که حضور سپرهای داوطلب از آنجایی که برای طرف دیگر تهدیدی فوری و مستقیم به همراه ندارد، چنین شرطی را محقق نمی‌سازد. (Quéguiner, 2006: 817) به علاوه، حتی اگر پذیرفته شود که سپر انسانی داوطلبانه برای طرف مقابل تهدید آفرین است، این تهدید فوری نخواهد بود، زیرا حمله‌کننده می‌تواند با اتخاذ اقدامات احتیاطی آنها را از مقابل هدف نظامی دور نماید. از دیگر سو، سپرهای انسانی از جهت اینکه خواهان دور نمودن حمله نظامی یک طرف از هدف نظامی هستند باعث نگرانی دشمن می‌شوند نه اینکه خطر کشتن افراد یا آسیب رساندن به اموال طرف مقابل را داشته باشند. (Bouchié de Belle, 2008: 893)

بنابراین غیرنظامیان داوطلبی که از جان خود گذشته و بدون اینکه سلاحی در دست داشته باشند در برابر هدفی نظامی قرار می‌گیرند، مشمول مفهوم مشارکت مستقیم نمی‌شوند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر نیز در طرفداری از این موضع معتقد است نمی‌توان عمل این افراد را به مثابه مشارکت مستقیم در مخاصمات دانست زیرا این اقدامات آنان برای طرف دیگر درگیری خطر مستقیمی ایجاد نمی‌کند. (Human Rights Watch, 2003: 3) البته آنها با حضور یافتن در برابر اهداف نظامی جان خود را به خطر انداخته و از این طریق نسبت به دیگر غیرنظامیانی که در مناطق نظامی حضور ندارند بیشتر در معرض خطر قرار می‌گیرند. (Bouchié de Belle, 2008: 896; Human Rights Watch, 2002: 14)

پیروان رویکرد اول معتقدند در صورتی که سپر انسانی داوطلبانه، مشارکت مستقیم به شمار نرود، اهداف اساسی حقوق بشردوستانه نادیده انگاشته می‌شوند. (Schmitt, 2004: 18) زیرا با اعمال حمایت نسبت به سپرهای داوطلبانه، غیرنظامیان تشویق به انجام این عمل شده و از این رو تعادل ظریف میان ملاحظات بشردوستانه و ضرورت نظامی از میان رفته و خطرات متوجه غیرنظامیان افزایش می‌یابد؛ بنابراین به منظور توقف این رفتار و پیشگیری از سپر شدن داوطلبانه در جریان مخاصمات نباید حمایت‌های پیش‌بینی شده به نفع سپرهای انسانی نسبت به این دسته از سپرها اعمال شود. این نویسندگان می‌پذیرند که در اکثر موارد مستقیماً هدف قرار دادن سپرهای انسانی داوطلب

هیچ ارزش نظامی خاصی نداشته و آنچه که اهمیت دارد، هدفی است که آن‌ها در برابر آن سپر شده‌اند؛ بنابراین، مهم‌ترین نتیجه حاصل از مشارکت مستقیم دانستن عمل سپرهای داوطلب، به حساب نیارودن آن‌ها در برآورد اصل تناسب است. (Schmitt, 2009: 20)

نتیجه دیگر چنین دیدگاهی این است که امکان دارد داوطلبان طبق حقوق کشورشان از جمله به دلیل مشارکت در جنگ به نفع دشمن، تحت تعقیب کیفری قرار گیرند. بدین ترتیب سپرهای انسانی داوطلبانه با توجه به مشارکت مستقیمی که در مخاصمه دارند نه تنها می‌توانند به دلیل نقض مقررات بین‌المللی تحت تعقیب قرار گیرند، بلکه به خاطر مشارکت مستقیمی که داشته‌اند هم می‌توانند محاکمه شوند. (Bouchié de Belle, 2008: 891) دولت آمریکا اتباع خود را که در سال ۲۰۰۳ در قالب سپر انسانی داوطلبانه به کشور عراق سفر کرده بودند تا از این طریق اعتراض خود را نسبت به جنگ و خشونت ابراز دارند، محاکمه نمود؛ اما این محکومیت به دلیل سفر به کشوری که دشمن آمریکا به شمار می‌آمد بیشتر جنبه جرم عمومی داشت تا جنایت جنگی. (Quéguiner, 2011: 817) لیندسی گراهام، سناتور کارولینای جنوبی بیان داشت هر آمریکایی که به عراق سفر کند، با این هدف که به عنوان سپر انسانی عمل نماید، به خاطر نقض قانون فدرال باید محاکمه شود. وی اظهار داشت چنین عملی جان نظامیان آمریکایی را به خطر انداخته و منجر به ضعیف شدن قدرت ایالات متحده می‌شود. (Mills, 2003)

در صورتی که سپر انسانی داوطلبانه مشارکت مستقیم دانسته شود، طرف حمله کننده به هنگام رویارویی با سپرهای انسانی تنها وظیفه‌ای که بر دوش دارد تشخیص درست داوطلبانه یا غیر داوطلبانه بودن حضور غیرنظامیان است. (Ezzo and Guiora, 2006: 32) هر چند در عمل تشخیص نحوه حضور آن‌ها بسیار دشوار است، اما این عدم سهولت منجر به بهره‌مندی سپرهای داوطلب از حمایت‌های حقوق بشر دوستانه نمی‌شود. البته در صورت تردید نسبت به ماهیت سپر انسانی فرض بر غیر داوطلبانه بودن سپر انسانی است. (Rubinstein and Roznai, 2011: 112) بنابراین، اگر به هنگام مواجهه با سپرهای انسانی تشخیص داوطلبانه یا غیر داوطلبانه بودن آن‌ها ممکن نباشد، باید فرض را بر غیر داوطلبانه بودن آن‌ها گذاشته و حمایت‌هایی را که حقوق بشر دوستانه برای سپر انسانی در نظر گرفته نسبت بدان‌ها اعمال نمود.

پیروان این دیدگاه کودکانی را که داوطلبانه سپر انسانی می‌شوند نسبت به این قاعده مستثنی می‌دانند، چرا که به دلیل فقدان اهلیت، اصولاً نمی‌توان برای قصد آن‌ها ارزش حقوقی قائل شد.

(Schmitt, 2004: 96; Najjar, 2011: 34) در نتیجه این افراد همچون سپرهای انسانی غیر داوطلبانه از حمایت‌های حقوق بشردوستانه بهره‌مند می‌باشند. اگرچه این نظر برای حمایت مضاعف از کودکان ارائه شده اما باید توجه کرد که چنین استثنایی کودکان را بیشتر در معرض خطر قرار می‌دهد چراکه ممکن است یک طرف مخاصمه برای رسیدن به هدف خود کودکان را تشویق به سپر شدن نماید تا از این طریق بتواند به‌طور قطع هدف خود را محقق سازد. برای مثال، در طول جنگ اول خلیج فارس، صدام حسین رهبر دولت عراق از جمعیت غیرنظامی به‌ویژه زنان و کودکان خواست در ازای دریافت غذا در کاخ‌های بغداد که جزو اهداف بالقوه نیروهای متحد بودند بمانند. (Artz, 2012: 14; General Report of Central Intelligence Agency, 2003)

بسیاری از این افراد نیز با توجه به شرایط نابسامانی که داشتند، به امید دریافت غذا چنین درخواستی را اجابت نموده و در کاخ‌ها و مناطق صنعتی سراسر کشور اقامت گزیدند که در نتیجه این اقدام هم نیروهای متحد از ادامه عملیات نظامی خود منصرف شدند. لذا ضمانت اجرای کیفری علیه کسانی که از کودکان داوطلب استفاده می‌کنند باید مانند همانانی باشد که غیرنظامیان را به اجبار سپر می‌کنند.

از نظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، وضعیت حقوقی سپرهای انسانی داوطلبانه بستگی به تأثیر حضور آن‌ها دارد. بدین طریق، کمیته میان مواردی که سپرهای داوطلب مانعی فیزیکی واقعی در برابر طرف مقابل ایجاد کرده و مواردی که این مانع صرفاً قانونی یا حقوقی است، قائل به تفکیک می‌شود. بر اساس موضع اتخاذی کمیته، با ایجاد مانعی فیزیکی در برابر پیشروی نیروهای دشمن، این نوع از سپرها مشمول حمایت‌های حقوق بشردوستانه از غیرنظامیان واقع نمی‌شوند. لیکن در صورت ایجاد مانعی حقوقی در برابر دشمن عمل آن‌ها مشارکت مستقیم نخواهد بود، زیرا این رفتار به آستانه آسیب - به‌عنوان یکی از عناصر متشکله مشارکت مستقیم مندرج در راهنمای تفسیری کمیته - نمی‌رسد. (فقیر میرنظامی، ۱۳۹۱: ۷۰) البته شایان ذکر است که هر حضور فیزیکی را نیز نمی‌توان سپر فیزیکی مؤثر دانست. برای مثال با حضور غیرنظامیان بر روی پل‌هایی که از نظر نظامی اهمیت ویژه‌ای دارند، طرف مقابل می‌تواند با درپیش گرفتن اقداماتی افراد را از منطقه دور نماید. (Schmitt, 2010: 733)

پس حتی در صورت ایجاد مانعی فیزیکی نیز نمی‌توان به‌طور قطع گفت که حضور داوطلبانه سپرهای انسانی مترادف با مشارکت مستقیم است.

نهاد مذکور ذیل توضیح رابطه سببیت مستقیم چنین تفکیکی را مد نظر قرار داده، به‌گونه‌ای که از نظر کمیته زمانی که سپرهای داوطلب مانعی فیزیکی در برابر نیروهای طرف دیگر ایجاد

کنند میان عمل آن‌ها و خسارت وارده به آن طرف رابطه سببیت مستقیم برقرار شده، درحالی‌که با ایجاد مانعی حقوقی چنین رابطه‌ای برقرار نگردیده، در نتیجه حضور آن‌ها به منزله مشارکت مستقیم نخواهد بود.

برخی معتقدند اتخاذ چنین رویکردی از سوی کمیته نتایج ناخوشایندی به بار خواهد داشت. آن‌ها معتقدند عملی ساختن رویکردی که کمیته در خصوص سپرهای داوطلبانه در پیش گرفته نیز غیرممکن است، زیرا در عمل نمی‌توان میان غیرنظامیانی که حضور آن‌ها مانعی فیزیکی در برابر دشمن ایجاد می‌کند و آن‌هایی که چنین مانعی را بنا نمی‌کنند تفاوت گذاشت. (Boothby, 2010:159)

در طرفداری از رویکردی که سپر انسانی داوطلبانه را به معنای مشارکت مستقیم غیرنظامی به حساب نمی‌آورد می‌توان اظهار داشت حقوق بشردوستانه به‌طور مطلق استفاده از سپر انسانی را ممنوع دانسته بدون اینکه به حالات مختلف وقوع آن اشاره‌ای کرده باشد. از این ممنوعیت بدون تقسیم‌بندی و بدون قید می‌توان اینگونه برداشت نمود که با قرار گرفتن غیرنظامیان در برابر هدف نظامی، آن‌ها در قالب سپر انسانی از حمایت‌های مقرر برخوردار می‌شوند؛ زیرا شرط بهره‌مندی از این حمایت‌ها قرار گرفتن غیرنظامیان در مقابل اهداف نظامی است و اراده یا بی‌ارادگی آن‌ها در این بهره‌مندی اهمیتی ندارد. به‌علاوه، تفکیک میان سپر انسانی داوطلبانه و سپر انسانی غیر داوطلبانه بر اساس عنصر قصد و اراده صورت می‌گیرد. این امر اگرچه در حقوق کیفری از اهمیت بسیاری برخوردار است، اما در موضوعات حقوق بشردوستانه بین‌المللی کاملاً نامربوط است.

همچنین در رد تفاوت قائل شدن میان انواع سپر انسانی باید به دشواری عملی ساختن چنین تفکیکی اذعان نمود. به‌عنوان مثال، به‌هنگام انجام عملیات هوایی یا آتش‌باری به‌وسیله توپخانه، چگونه می‌توان تشخیص داد غیرنظامیانی که در مجاورت هدف نظامی قرار دارند به اراده خود یا به اجبار در آنجا حضور یافته‌اند؟ به‌علاوه، در سیستمی خود اجرا^۱ همچون حقوق بشردوستانه بین‌المللی، از دست رفتن حمایت در برابر حملات می‌تواند زمینه سوءاستفاده طرفین مخاصمه را فراهم آورده و امکان کشتار بی‌محابای غیرنظامیان را فراهم آورد.

در نهایت می‌توان ادعا کرد که چون در اکثر موارد سپر انسانی داوطلبانه داخل در مفهوم مشارکت مستقیم جای نمی‌گیرد، اصل بر حمایت از تمامی سپرهای انسانی به‌عنوان غیرنظامی است و حضور داوطلبانه افراد در مجاورت هدف نظامی تنها آن‌ها را بیشتر در معرض خطر قرار می‌دهد. (Bouchié de Belle, 2008: 896; Quéguiner, 2011: 817)

از طرف دیگر، رویکردی که سپر انسانی داوطلبانه را به معنای مشارکت مستقیم می‌داند خود را نقض می‌کند. چراکه با پذیرش چنین رویکردی حمله‌کننده ملزم به رعایت تعهدات مندرج در ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول نبوده، بنابراین حضور سپر انسانی داوطلبانه تأثیری بر توانایی دشمن برای ادامه حمله به هدف نظامی حفاظت شده ندارد؛ و اقدامی که نتواند اثری بر روی توانایی طرف داشته باشد اصولاً مشارکت مستقیم نخواهد بود. (Sassòli, Bouvier and Quintin, 2011: 174)

نکته کلی حائز اهمیت در خصوص سپر انسانی این است که سپرهای انسانی با بهره‌گیری از وضعیت حقوقی خود به‌عنوان افرادی که از مصونیت در برابر حملات مستقیم برخوردار هستند، خواهان حمایت از هدف نظامی هستند. اما در صورتی که عمل آن‌ها به منزله مشارکت مستقیم در مخاصمات قلمداد شود آن‌ها خود هدف حمله قرار خواهند گرفت، در نتیجه حضور آن‌ها در برابر هدف نظامی کاملاً بی‌فایده خواهد بود؛ بنابراین، علی‌رغم اصرارهایی که برخی حقوق‌دانان در مشارکت مستقیم به حساب آوردن حضور داوطلبانه سپرهای انسانی دارند، نمی‌توان از نظر آن‌ها تبعیت کرده و سپرهای انسانی داوطلب را از حمایت‌های حقوق بشردوستانه محروم دانست. حتی در صورت تبعیت از نظر آن‌ها نیز، باز هم نمی‌توان حمایت از سپرهای داوطلب را به‌طور کلی نادیده انگاشته و نسبت به آن‌ها هیچ‌گونه حمایتی را روا نکرد؛ زیرا علی‌رغم عدم رعایت حقوق خاص اسرای جنگی نسبت به غیرنظامی مشارکت‌کننده در مخاصمه، وی کماکان از حمایت عام برخوردار بوده و حقوق بنیادین بشری می‌بایست نسبت به وی مراعات شوند (سلیمان‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۲). ازاین‌رو، در حمله و محاکمه غیرنظامی شرکت‌کننده در مخاصمه باید تضمینات حقوقی و قضایی رعایت شوند. از طرف دیگر، هرچند حقوق بشردوستانه مصونیت غیرنظامی در برابر حمله مستقیم را به شرط مشارکت مستقیم وی در مخاصمه منتفی می‌داند، اما اهمیت تکریم کرامت انسانی ایجاب می‌نماید به هنگام رویارویی با چنین افرادی، دستگیری بر جراحت و جراحت بر کشتن اولویت داشته باشد، چراکه انسان فراتر از حق حیات، از «حق کرامت» هم برخوردار است (سلیمان‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۵)؛ بنابراین، اگر در مخاصمه‌ای غیرنظامیان داوطلبانه در برابر اهداف نظامی قرار گیرند و طرف روبروشونده با آن‌ها به‌بهانه آن‌ها در مخاصمه به‌طور مستقیم مشارکت داشته‌اند، قصد حمله به آن‌ها را داشته باشد همچنان ملزم به رعایت اصول عام حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. (سلیمان‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۷)

۱۲. نتیجه

بر اساس اصل بنیادین تفکیک در حقوق بشردوستانه طرف‌های یک مخاصمه نباید غیرنظامیان را هدف قرار دهند و با توجه به این ممنوعیت هیچیک از طرف‌ها نیز نمی‌توانند از غیرنظامیان - که مصون از حمله هستند - به عنوان سپری در مقابل نیروهای خود یا سایر اهداف نظامی استفاده کنند؛ اما پیچیدگی زمانی حاصل می‌شود که غیرنظامیان داوطلبانه خود را در چنین وضعیتی قرار دهند.

حقوق بشردوستانه بین‌المللی شرط بهره‌مندی غیرنظامیان از حمایت‌های ویژه این حقوق - همچون هدف حمله قرار نگرفتن - را عدم مشارکت مستقیم آن‌ها در مخاصمات دانسته، اما هیچ تعریف روشن و دقیقی از مفهوم مشارکت مستقیم ارائه ننموده است. این ابهام نه تنها باعث تعاریف یکجانبه و متفاوت دولت‌ها از مفهوم مشارکت مستقیم شده، بلکه منجر به بروز اختلاف نظرهای بسیار میان حقوق‌دانان در خصوص برخی از جنبه‌های حضور غیرنظامیان در جریان مخاصمه مانند سپرهای انسانی داوطلبانه نیز گشته است، به طوری که عده‌ای از صاحب‌نظران بین‌المللی با تعبیر سپر انسانی داوطلبانه به عنوان مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمه، مدعی محرومیت این نوع از سپرهای انسانی از حمایت‌های ویژه غیرنظامیان هستند. از نظر آن‌ها سپرهای داوطلب با خطر مستقیمی که برای طرف دیگر مخاصمه به بار می‌آورند عملیات نظامی آن را تحت تأثیر قرار داده و مانع از دست‌یابی دشمن به هدف نظامی مشروع می‌شوند.

ما در این نوشتار نشان دادیم که اولاً حمایت حقوق بشردوستانه از غیرنظامیانی که به مثابه سپری انسانی در مقابل اهداف نظامی قرار گرفته‌اند حمایتی عام است و اراده یا عدم اراده غیرنظامیان به هنگام حضور نقشی در وضعیت حقوقی آنان ندارد. ثانیاً با اتکا به راهنمای تفسیری صلیب سرخ از مفهوم مشارکت مستقیم ملاحظه کردیم که حضور داوطلبان از این جهت که برای طرف دیگر خطر آفرین نبوده و صرفاً مانعی روانی تلقی می‌شود، تنها نوعی مشارکت غیرمستقیم در مخاصمه است و حتی اگر بپذیریم که حضور آن‌ها برای دشمن مشکل‌ساز است، باز هم نمی‌توان آن را خطری مستقیم و فوری دانست چرا که حمله‌کننده می‌تواند با درپیش گرفتن اقدامات احتیاطی مانع ایجاد شده را از میان برداشته و به هدف نظامی خود دست یابد. از سوی دیگر، با یکی دانستن حمایت‌های حقوق بشردوستانه نسبت به تمامی انواع سپرهای انسانی و با لازم شمردن رعایت اصل تناسب در خصوص حمله به اهداف حفاظت شده به وسیله سپرهای داوطلب، امکان حمله به اهداف مزبور همچنان وجود داشته و

در این صورت دشمن از رسیدن به هدف خود باز نمی‌ماند. بدین ترتیب تعادلی که در حقوق بشردوستانه بین اهداف عالی‌ه حفاظت از قربانیان مخاصمات و حق هر طرف به پیروزی در مخاصمه وجود دارد همچنان حفظ خواهد شد.

در نهایت اگر در مواردی به‌طور استثنایی حضور داوطلبانه غیرنظامیان در برابر اهداف نظامی برای طرف دیگر مخاصمه مانعی فیزیکی واقعی ایجاد نماید، به گونه‌ای که این افراد بخشی از نیروی رزمی دشمن به حساب آیند، افراد مزبور از حمایت‌های مربوط به سپر انسانی محروم می‌شوند، زیرا با این رفتار، آن‌ها از مفهوم متداول سپرهای انسانی فاصله گرفته و با ایجاد مانعی فیزیکی واقعی به مشارکت مستقیم در مخاصمه دست زده و از این رهگذر، تابع مقررات حقوق بشردوستانه در این خصوص خواهند بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) فارسی

کتاب

- کنعانی، محمدطاهر، سیاه‌رستمی، هاجر، حسین‌نژاد، کتایون، (۱۳۸۵)، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)*، چاپ دوم، تهران، انتشارات جمعیت هلال احمر.

مقاله

- سلیمان‌زاده، احمد، (۱۳۹۱)، «مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال نهم، شماره چهارم.

پایان‌نامه

- فقیر میرنظامی، درین سادات، (۱۳۹۱)، «مفهوم مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمه مسلحانه با تأکید بر راهنمای تفسیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (۲۰۰۹)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، به راهنمایی همایون حبیبی، دانشگاه علامه طباطبائی.

ب) انگلیسی

Books

- Facaros, Dana and Pauls Michael, (2006), *Lombardy and the Italian Lakes*, New Holland Publishers.

-

Articles

- Al-Duaij, Nada, (2008), "The Volunteer Human Shields in International Humanitarian Law", *Oregon Review of International Law*, Vol. 12.
- Amnesty International, (2009), "Gaza: Military Tactics on Both Sides Endangering Civilians", January 8, Available at: <http://www.amnesty.org.uk/news_details.asp?NewsID=18000>, Last Visited: 04/01/2013.
- Artz, Margaret T, (2012), "A Chink in the Armor: How a Uniform Approach to Proportionality Analysis Can End the Use of Human Shields", *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, Vol. 45.
- Bargu, Banu, (2013), "Human shields", *Contemporary Political Theory*, Vol. 12.
- Boothby, William H, (2010), "Direct Participation in Hostilities: A Discussion of the ICRC Interpretive Guidance", *Journal of International Humanitarian Legal*

Studies, Vol. 1, No. 1.

- Bouchié de Belle, Stéphanie, (2008), "Chained to Cannons or Wearing Targets on Their T-Shirts: Human Shields in International Humanitarian Law", *International Review of Red Cross*.

- Christensen, Eric R, (2009), "The Dilemma of Direct Participation in Hostilities", *J. OF TRANSNATIONAL LAW & POLICY*, Vol. 19.2.

- Ezzo, Matthew V. and Guiora N. Amos, (2006), "A Critical Decision Point on the Battlefield-Friend, Foe or Innocent Bystander", *Legal Studies Research Paper Series*, University of Utah Press.

- Fischer, Douglas H, (2007), "Human Shields, Homicides, and House Fires: How a Domestic Law Analogy Can Guide International Law Regarding Human Shield Tactics in Armed Conflict", *American University Law Review*, Vol. 57, no.2.

- Henckaerts, Jean-Marie, Doswald-Beck, Louise, (2009), "Customary International Humanitarian Law", Vol. I: Rules, ICRC, Cambridge, Available at: <<http://www.icrc.org/eng/assets/files/other/customary-international-humanitarian-law-i-icrc-eng.pdf>>

- Melzer, Nils, (2009), "Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities under International Humanitarian Law", *International Committee of Red Cross*, Available at: <http://www.icrc.org/eng/assets/files/other/irrc-872-reports-documents.pdf>

- Najjar, Ghada B. I, (2011), "The Protection of Children in Armed Conflicts under the Rules of International Law", *University of Oslo*, Available at: <https://www.duo.uio.no/handle/10852/22676>.

- Purton, Peter Fraser, (2010), *A History of the Late Medieval Siege 1200-1500*, Publisher Boydell & Brewer.

- Pilloud, C, Y. Sandoz and C. Swinarski, B. Zimmermann, (1987), *Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949*, Published by International Committee of Red Cross.

- Quéguiner, Jean-Francois, (2006), "Precautions Under the Law Governing the Conduct of Hostilities", *International Review Red Cross*, Vol. 88, No. 864.

- Rosen, Richard, (2009), "Targeting Enemy Forces in the War on Terror: Preserving Civilian Immunity", *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, Vol. 42, No. 3, pp. 683-777.

- Rubinstein, Amnon and Roznai Yaniv, (2011), "Human Shields in Modern Armed Conflicts: the Need for a Proportionate Proportionality", *Stanford Law and Policy Review*, Vol. 22, No. 1.

- Sassòli, Marco and Bouvier, Antoine A, Quintin, Anne, (2011), "How Does Law Protect in War?", Vol. I, *International Committee of Red Cross*.

- Schmitt, Michael N, (2003), "The Conduct of Hostilities during Operation Iraqi Freedom: an International Humanitarian Law Assessment", *Yearbook of International Humanitarian Law*, Vol. 6.

- Schmitt, Michael, N, (2004), "Direct Participation in Hostilities and 21 Century Armed Conflicts", Available at: <http://www.mishealschmitt.org/images/Directparticipationpageproofs.pdf>.

- Schmitt, Michael N, (2004), "Targeting and Humanitarian Law: Current

Issues”, Israel Yearbook in Human Rights.

- Schmitt, Michael N, (2005), “Humanitarian Law and Direct Participation in Hostilities by Private Contractors or Civilian Employees”, Chicago Journal of International Law, Vol. 5, No. 2.

- Schmitt, Michael N, (2009), “Human Shields in International Humanitarian Law”, Israel Yearbook on Human Rights, pp. 17-59, Available at: http://link.springer.com/chapter/10.1007/978-90-6704-740-1_11.

- Schmitt, Michael N, (2010), “Deconstructing Direct Participation in Hostilities: The Constitutive Elements”, International Law and Politics, Vol. 42.

- Schoenkase, Daniel P, (2004), “Targeting Decisions Regarding Human Shields”, Military Review, Vol. 84, No. 5.

- Teninbaum, Gabriel H, (2004), “American Volunteer Human Shields in Iraq: Free Speech or Treason?”, Suffolk Transnational Law Review, Vol. 28.

- Zarifis, Ismene, (2002), “Sierra Leone’s Search for Justice and Accountability of Child Soldiers”, Human Rights Brief, Vol. 9, Available at: <http://www.wcl.american.edu/hrbrief/hrbrief093.pdf>

Documents

- Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, Geneva, 12 August 1949.

- Convention (III) Relative to the Treatment of Prisoners of War, Geneva, 12 August 1949.

- Convention (IV) Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, Geneva, 12 August 1949.

- Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977.

- Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 8 June 1977.

- Rome Statute of the International Criminal Law, International Criminal Court 1998.

Cases

- High Court of Justice of Israel, (2006), “Public Committee against Torture in Israel et al. v. Government of Israel et al.”, (Targeted Killing Case). Case No. 796/02, Judgement, December 13, 2006, Available at: [https://www.law.upenn.edu/institutes/cehl/conferences/targetedkilling/papers/Israeli Targeted Killing Case.pdf](https://www.law.upenn.edu/institutes/cehl/conferences/targetedkilling/papers/Israeli%20Targeted%20Killing%20Case.pdf)

- ICTR, (1998), “The Prosecutor v. Akayesu”, Judgement, 2 September 1998, Case No. ICTR-96-4-T, Available at: www.unictr.org/Portals/0/Case/English/Akayesu/judgement/akay001.pdf

- ICTY, “Final Report to the Prosecutor by the Committee Established to Review the Nato Bombing Campaign against the Federal Republic of Yugoslavia”, Available at: http://www.icty.org/x/file/About/OTP/otp_report_nato_bombing_en.pdf

- ICTY, "Prosecutor v. Aleksovski, Case No. IT-95-14/1-A", Judgment, Available at: <<http://www.icty.org/x/cases/aleksovski/acjug/en/ale-asj000324e.pdf>>
- ICTY, "Prosecutor v. Blaskic, Case No. IT-95-14-T", Judgment, 3 Marce 2000, Available at: <www.icty.org/x/cases/blaskic/tjug/en/bla-tj000303e.pdf>

Reports

- General Report of Central Intelligence Agency, (2003), "Putting Noncombatants at Risk: Saddam's Use of Human Shields", Available at: <https://www.cia.gov/library/reports/general-reports1/iraq_human_shields/index.html>
 - Human Rights Watch, (2002), "Israel: Decision to Stop Use of Human Shields Welcomed", Available at: <<http://www.hrw.org/en/news/2002/05/09/israel-decision-stop-use-human-shields-welcomed>>, Last Visited: 10/01/2013.
 - Human Rights Watch, (2003), "Briefing Paper: International Humanitarian Law Issues in a Potential War in Iraq", Available at: <<http://www.hrw.org/en/reports/2003/02/20/international-humanitarian-law-issues-potential-war-iraq>>, Last Visited: 10/01/2013.
 - Human Rights Watch, (2007), "Civilians under Attack: Hezbollah's Rocket Attacks on Israel in the 2006 War", Available at: <<http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/iopt0807.pdf>>
 - ICRC, (2007), "International Humanitarian Law and the Challenges of Contemporary Armed Conflicts", International Review of the Red Cross, Vol. 89, No. 867.
 - Inter-American Commission on Human Rights, (1999), "Third Report on Human Rights in Colombia", Available at: http://www.asylumlaw.org/docs/colombia/oas99_colombia.pdf.
 - UN General Assembly, (1991), "Situation of Human Rights in Iraq", UN/Doc. A/RES/46/134, Available at: <http://www.un.org/documents/ga/res/46/a46r134.htm>.
 - UN Secretary General, (1983), "Report: Mission to Inspect Civilian Areas in Iran and Iraq which May have been Subject to Military Attack", UN/Doc.S/15834, (June 20, 1983).
 - UN Secretary General, (1996), "Fifteenth Progress Report on UNOMIL", UN/Doc.S/1996/47 (January 23, 1996).
 - UN Security Council Resolution 1776 (2007), UN/Doc.S/RES/1776. (September 19, 2007).
- Miscellaneous
- Harvard University Program on Humanitarian Policy and Conflict Research, (2007), "IHL and Civilian Participation in the Hostilities in the OPT", Policy Brief, Available at: <http://www.hpcrresearch.org/sites/default/files/publications/ParticipationBrief.pdf>.
 - Jim Mills. "Senator Wants 'Human Shields' Punished", FOXNEWS, 5 March 2003, Available at: <http://www.foxnews.com/story/0,2933,80205,00.html>.
 - The Oxford Encyclopedia of Medieval Warfare and Military Technology, Publisher Oxford University Press.